



رخوت اروپایی

گزارش‌های استراتژیک اروپا مملو از فراخوان‌های فوری برای افزایش سرعت و چابکی هستند. اما در بحبوحه رقابت شدید جهانی، اروپا همچنان در حال سخنرانی کردن است، درحالی‌که دیگر بازیگران بزرگ دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند.

در دو سال گذشته، پنج سند استراتژیک مهم اتحادیه اروپایک‌زنگ‌خطر واحد را به‌صدا آورده‌اند: اروپا باید شتاب بگیرد، بدون سرعت، ساده‌سازی و قاطعیت، این اتحادیه با خطر «به‌حاشیه‌رانده شدن» و از دست دادن اهمیت خود روبه‌روست. با این حال، تاکنون، اتحادیه اروپا تنها بخش ناچیزی از برنامه‌های اعلامی خود را به اجرا گذاشته است.

در اکتبر ۲۰۲۵، کمیسیون اروپا «نقشه راه آمادگی دفاعی ۲۰۳۰» را ارائه کرد که در ادامه «بسته جامع آمادگی دفاعی» ژوئن ۲۰۲۵ منتشر شد. هر دو سند، گام‌هایی را برای کاهش تشریفات اداری و تقویت سرمایه‌گذاری در بخش دفاعی ترسیم می‌کنند. لفاظی این اسناد به خوبی جاه‌طلبی دفاعی اروپا را منعکس می‌کند: هر صفحه بر فوریت، سرعت و چابکی تأکید دارد. با این حال، کلمات به تنهایی نتیجه‌بخش نیستند. اروپا همچنان از دیگر بازیگران جهانی عقب‌مانده است.

به عنوان مثال، روسیه به سرعت در حال ارتقای ظرفیت تولیدات دفاعی خود است. چه مسکو و کی‌یف به آتش‌پس برسند یا نه، به نظر می‌رسد مسکو آماده است تا با نیرویی جسورتر و کارآمدتر از جنگ اوکراین خارج شود. روسیه در حال تولید سلاح‌هایی بیش از مصرف کنونی خود در اوکراین است؛ این کشور هم‌زمان در حال تکمیل ذخایر خود و به‌کارگیری درس‌آموخته‌های خط مقدم است تا در استفاده از موشک‌ها و پهپادها مرگبارتر عمل کند و در کی‌یف، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید پهپاد اوکراین هر هشت ثانیه یک پهپاد تولید می‌کند؛ معادل ۱/۷ میلیون پهپاد در سال.

آمریکا، که اغلب به‌بحران‌ها آماده‌تر از اروپاست نیز در تلاش است تا سریع‌تر عمل کند. آمریکا دهه‌هاست که بر «قانون تولید دفاعی» (DPA) تکیه کرده است؛ قانونی که در سال ۱۹۵۰ تصویب شد و به قوه مجریه اختیار می‌دهد تا در صنایع داخلی مداخله کند. در طول سالیان، آمریکا از این قانون در شرایط مختلفی (و نه فقط برای جنگ) استفاده کرده است: [این قانون] به افزایش تولید تجهیزات پزشکی در طول کووید-۱۹ کمک کرد و اکنون برای تسریع تولید شیلنگ‌های آتش‌نشانی جهت مبارزه با آتش‌سوزی‌های جنگلی استفاده می‌شود. برای آمریکا، این کافی نبود. در ژوئن ۲۰۲۵، کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا «قانون SPEED» را برای ساده‌سازی بیشتر فرآیندهای دفاعی ارائه کرد.

با این حال، این چین است که در این رقابت پیش‌تاز است: به‌ویژه در گذار به انرژی سبز، حوزه‌ای که ظاهرآ قرار بود لحظه رهبری تاریخی اروپا باشد. در واقع، این تضاد چشمگیر است. در سه‌ماهه اول ۲۰۲۵، انتشار کربن در اروپا ۳/۴ درصد افزایش یافت، درحالی‌که این آمار در چین ۱/۴ درصد کاهش یافت. برخی ارزیابی‌ها تخمین می‌زنند که ۱۰ درصد از تولید انرژی سبز اروپا به دلیل تأخیر در ساخت خطوط اتصال برق (interconnectors)، عمدتاً به دلیل تشریفات اداری، هدر می‌رود. در نتیجه، در بخش‌هایی مانند تولید خودروهای الکتریکی یا ذخیره‌سازی باتری، اروپا در حال سخنرانی کردن است، درحالی‌که چین به نتایج عملی دست می‌یابد. افکار عمومی اروپا در زمره آگاه‌ترین‌ها نسبت به مسائل اقلیمی در سطح جهانی است. با این حال، مقررات، عدم انعطاف‌پذیری و موانع بوروکراتیک، پیشرفت را به بند کشیده و حمایت عمومی از برنامه سبز را تضعیف می‌کند. پنجره فرصت برای گذار سبز در اروپا در حال بسته شدن است. اگر اروپا با همین سرعت ادامه دهد، تا یک سال دیگر، افول اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود را، صرفاً به دلیل ناتوانی‌اش در اقدام، تثبیت خواهد کرد.

رخوت به‌نقص استراتژیک اروپا تبدیل شده است. در دنیایی که با سرعتی سرسام‌آور در حرکت است و جایی که دشمنان خطوط تولید تسلیحات را در چند ماه ارتقا می‌دهند، پارلمان‌ها قوانین تدارکات را در چند هفته بازنویسی می‌کنند، و انقلاب‌های انرژی در چند سال (و نه چند دهه) رخ می‌دهند، اروپا دیگر نمی‌تواند هزینه‌ی آن‌کندی دوران صلح را بپردازد. بقا امروز فقط به قدرت بستگی ندارد، بلکه به چابکی نیز وابسته است. هزینه انطباق کند با دنیایی پرشتاب و متخاصم، می‌تواند ویرانگر باشد.



محمدحسین لطف‌الهی
خبرنگار بین‌الملل

دفتر دادستانی عمومی ایتالیا تحقیقاتی را درباره ادعای سفر شهروندان ایتالیایی به بوسنی در دوره جنگ در این کشور آغاز کرده است. بر اساس ادعای مطرح‌شده از سوی شاکیان، برخی از ایتالیایی‌ها آخر هفته‌ها در قالب «سافاری‌های تکتیراندازی» عازم سارایوو می‌شدند تا در ازای پرداخت پول به ارتش صرب‌های بوسنی بتوانند به شهروندان این شهر که یکی از طولانی‌ترین محاصره‌های تاریخ معاصر (آوریل ۱۹۹۲ تا فوریه ۱۹۹۶) را تجربه می‌کردند شلیک کنند و آن‌ها را به قتل برسانند. این سفرها که در شکواییه «سافاری» خوانده شده‌اند در طول جنگ بوسنی و در زمانی انجام می‌گرفت که شهر سارایوو توسط ارتش صرب‌های بوسنی محاصره شده بود. اصطلاح «سافاری» اشاره‌ای زننده به تورهای مشاهده و شکار حیوانات وحشی است. تحقیقات در میلان که توسط الساندرو گابیس، دادستان این شهر هدایت می‌شود، پس از آن آغاز شد که اتزئو گلاوانی، نویسنده و خبرنگار ایتالیایی با همکاری نیکولا بریجیدا، وکیل باتجربه و گیدو سالوینی، قاضی سابق دادخواستی را علیه برخی از اتباع ایتالیا ارائه داد و خواستار بر خورد با آن‌ها به جرم «قتل عمد با قسوت و براساس انگیزه‌های پست» شد. بازسان امیدوارند که نتیجه این تحقیقات، روشن شدن کامل ماجرا و افشای هویت اشخاص و گروه‌های دخیل در این جنایت باشد. تاکنون ۵ مرد در تحقیقات شاکیان شناسایی شده‌اند. گلاوانی که شخصاً تمام مدارک جمع‌آوری‌شده را تحویل دفتر دادستانی عمومی ایتالیا داده است، روز سه‌شنبه هفته گذشته به روزنامه «لارپوبلیکا» گفت که هدف او و همکارانش اجرای عدالت و افشای حقیقت درباره بخشی از جامعه است که سال‌هاست «حقیقت را زیر فرش پنهان کرده‌اند.» او افزود: «ما درباره تعدادی از افراد ثروتمند و کارآفرینان مشهور صحبت می‌کنیم که در طول محاصره سارایوو پول پرداخت می‌کردند تا بتوانند غیرنظامیان بی‌دفاع را به قتل برسانند.»

▼ «سافاری‌های تکتیرانداز» چگونه کار می‌کردند؟

در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، شهروندان ایتالیایی و اتباع برخی دیگر از کشورهای اروپایی که وجه مشترک میان آن‌ها علاقه‌مندی به سلاح و شکار بود، روزهای جمعه به عنوان تفریح آخر هفته در شهر تریسته واقع در شمال غرب ایتالیا (مرکز ایتالیا یا یوگوسلاوی سابق) گردش می‌آمدند. هنوز مشخص نیست چه کسی مقدمات سفر آن‌ها را به این منطقه فراهم می‌کرد. بر اساس اطلاعاتی که در شکایت بازتاب یافته، این افراد با خط هوایی آپوژنکس به بلگراد رفته و از آنجا با اتوبوس به تپه‌های اطراف شهر سارایوو منتقل می‌شدند. آن‌ها برای اینکه بتوانند آخر هفته را با یک اسنایپر و جایگاه مناسبی مشرف به شهر برای شلیک به غیرنظامیان بگذرانند، چیزی بین ۹۲ تا ۱۱۶ هزار دلار به شبه‌نظامیان صرب هوادار رادوان کاراچیچ پرداخت می‌کردند. او یک سیاستمدار صرب بوسنیایی بود که به عنوان اولین رئیس جمهور جمهوری صرب بوسنی در طول جنگ بوسنی (۱۹۹۲-۱۹۹۵) خدمت کرد. کاراچیچ به دلیل نقش‌اش به‌عنوان رهبر سیاسی و فرمانده کل قوای صرب‌های بوسنی، در دادگاه بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق (ICTY) در لاهه محاکمه شد. او به دلیل نقش‌اش در کشتار بیش از ۸ هزار مرد و پسر مسلمان بوسنیایی در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵، به نسل‌کشی محکوم شد. کاراچیچ همچنین مسئول محاصره ۴۴ ماهه سارایوو شناخته شد که طی آن هزاران غیرنظامی بر

گزارش تحقیقی

گردشگر

گروهی از شهروندان اروپایی در دهه ۹۰ تا به عنوان یک تفریح و درازای پرداخت مقادیر زیادی پول

این «سفرهای توریستی» آگاه بوده‌اند. به گزارش خبرنگاری آنسا، براساس شهادت سوباشیچ، افسر اطلاعات نظامی بوسنی که انتظار می‌رود یکی از اولین افراد احضار‌شده توسط دادستانی باشد، نحوه سازماندهی این سفرها با شرکت هواپیمایی آپوژنکس، نشان می‌دهد که «سرویس امنیت دولتی صربستان پشت همه این‌ها قرار داشته است.» این مقام بوسنیایی به روزنامه لارپوبلیکا گفت، اگرچه آژانس اطلاعات نظامی ایتالیا از همان اولین سفر مطلع شده بود، اما این موضوع هرگز دوباره میان آژانس‌های جاسوسی بوسنی و ایتالیا مورد بحث قرار نگرفت. داگ دومروکچیچ، کنسول بوسنی در میلان، روز سه‌شنبه به لارپوبلیکا گفت که دولت او در حال «همکاری کامل در این تحقیقات» است. دومروکچیچ افزود: «ما متاقیم که حقیقت چنین ماجرای بی‌رحمانه‌ای را کشف کنیم و با گذشته تسویه‌حساب کنیم. من اطلاعاتی دارم که به‌بازرسان منتقل خواهم کرد.»

الساندر گابیس، دادستان میلان لیستی از افرادی که شهادت آن‌ها می‌تواند موثر باشد در اختیار دارد. به گفته گلاوانی، تعداد «خون‌آشام‌های درگیر در این ماجرا» به حدود ۱۰۰ نفر می‌رسد. بروز اتفاقات مشابه در گذشته، باعث شده تا برای بسیاری از کسانی که جنگ بوسنی را از نزدیک دنبال کرده‌اند، ماجرای «سافاری‌ها» چندان شوکه‌کننده نباشد. در همین راستا، آدریانو سوفری، نویسنده و فعال ایتالیایی که خود در طول جنگ بوسنی در سارایوو حضور داشت و برای روزنامه‌های ایتالیایی گزارش تهیه می‌کرد، مقاله‌ای منتشر و استدلال کرد که این اقدام «امری کاملاً شناخته‌شده» بود. او تأکید کرد که شرکت‌کنندگان در این فعالیت هولناک، «مشاق و پرتعداد» بودند. سوفری در مقاله‌اش، بخش‌هایی از نوشته‌های همان دوران خود را که به این موضوع پرداخته بود، بازنشر کرده است؛ از جمله این مورد در ۱۷ مه ۱۹۹۵: «در گرابویتسا، جایی که تکتیراندازان چتیک (شبه‌نظامیان افراطی صرب) و دیگر شرکت‌کنندگان در این شکار بین‌المللی، پنهان نمی‌شوند و حتی تصاویرشان در تلویزیون کاراچیچ به نمایش درمی‌آیند یک گروه یونانی و همچنین یک داوطلب ژاپنی حضور دارد.» سوفری اشاره می‌کند که آن داوطلب ژاپنی به تلویزیون صرب‌های بوسنی توضیح داده بود که «به دلیل یک شکست عشقی» برای تیراندازی به سارایوو آمده بود. او در همان مقاله می‌افزاید که یکی دیگر از افرادی که برای شلیک به غیرنظامیان آمده بود، ویسلاو شیشل، ملی‌گرای افراطی صرب بود که در مقابل دوربین‌ها یک عابر پیاده را به قتل رساند.

اثر گلوله‌باران و حملات تکتیراندازها کشته شدند.

روزنامه اسپانیایی زبان ال پاییس در گزارشی درباره این پرونده نوشته است: «اگر این افراد می‌خواستند به کودکان شلیک کنند، پول بیشتری از آن‌ها دریافت می‌شد.»

گلاوانی هم به این موضوع اشاره کرده بود. به گفته او، به شرکت‌کنندگان بر اساس نوع هدف یا اهدافی که انتخاب می‌کردند، لیست قیمت ارائه می‌شد. در این لیست، همانطور که ال پاییس نوشته برای کودکان پول بیشتری دریافت می‌شد و مقابل، کشتن افراد مسن رایگان بود.

در دادخواست تنظیم‌شده از سوی گلاوانی و همکارانش که بالغ بر ۱۷ صفحه است، درباره یکی از افراد حاضر در این جنایت آمده است: «یکی از شرکت‌کنندگان از شهر تریسته راهی این شکار انسان می‌شد و پس از بازگشت زندگی عادی خود را دنبال می‌کرد. او در حالی به ادامه زندگی عادی خود می‌پرداخت که در نگاه اطرافیان و مردم شهر فردی محترم به شمار می‌رفت.» گلاوانی در گفت‌وگو با روزنامه رپوبلیکا در این باره گفته است: «این‌ها افرادی بودند که اشتیاقی سیری‌ناپذیر به اسلحه داشتند، از نظر مالی غنی بودند و ارتباطات زیادی در ایتالیا و صربستان داشتند. آن‌ها در کمال بی‌تفاوتی نسبت به شر و برای ارضای هوس خود به بخشی از شر تبدیل می‌شدند.» یکی از کلیدی‌ترین اجزای دادخواست، شهادت یک افسر اطلاعات نظامی بوسنی به‌نام ادین سوباشیچ بود. او در یک مستند درباره محاصره سارایوو مدعی شد که اوایل سال ۱۹۹۴ به افسران آژانس اطلاعات نظامی ایتالیا اطلاع داده که پروانه‌ای از تریسته به بلگراد به مقصد اصلی سارایوو صورت می‌گیرد و افرادی برای شرکت در

این «سافاری‌ها» به بوسنی می‌روند. سوباشیچ شهادت داد که چند ماه بعد، افسران سرویس اطلاعات نظامی ایتالیا به او اطلاع دادند که جلوی این «سافاری‌ها» گرفته شده است. در گزارش سرویس اطلاعات نظامی ایتالیا آمده است که این سرویس پس از اطلاع یافتن از مسئله، اقداماتی انجام داده و «سافاری‌ها» را متوقف کرده است. یکی دیگر از شاهد‌هایی که گلاوانی در دادخواست خود به او اشاره کرده می‌گوید سه مرد اهل تورین، میلان و تریسته را که در این «سافاری‌ها» شرکت می‌کردند می‌شناخته است. یکی از آن‌ها، مردی اهل میلان بود که در سال ۱۹۹۳ سفرهایی را به سارایوو داشت. او ثروتمند و مالک یک کلینیک جراحی پلاستیک بود.

▼ چه کسانی از این جنایت مطلع بودند؟

صربستان هرگونه دخالت در این کشتارها را رد کرده است، اما بازرسان معتقدند که سرویس‌های اطلاعاتی این کشور از

